



نقد اقتصاد سیاسی نقد بتواری نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

حزب – علم در مرحله‌ی استراتژیک جدید

گوئیدو لابربرا

ترجمه‌ی: مهرزاد شجاعی



فروردین ۱۴۰۱

توضیح مترجم: آریگو چروتو و لورنزو پارودی در سال ۱۹۵۷ در **تزهایی درباره‌ی توسعه‌ی امپریالیستی، مدت زمان مرحله‌ی ضدانقلابی و توسعه‌ی حزب انقلابی** موسوم به **تزهایی ۵۷** استدلال می‌کنند که پس از بحران جنگ جهانی دوم، به دلیل این که دو سوم جهان هنوز وارد مناسبات سرمایه‌داری نشده است، دوره‌ای طولانی از رشد سرمایه‌داری را شاهد خواهیم بود و تا دهه‌ها امکان وقوع هرگونه بحران اساسی امپریالیسم و در نتیجه امکان موفقیت هرگونه انقلاب سوسیالیستی منتفی است. چروتو پیش‌بینی می‌کند که در این دوره شاهد انقلاب‌های بورژوا - دموکراتیک و ضداستعماری در کشورهای مستعمره خواهیم بود که خود نتیجه‌ی تغییر روابط بین قدرت‌های امپریالیستی (ظهور قدرت‌های جدید و نزول قدرت‌های قدیمی) و در نتیجه گسترش روابط سرمایه‌داری است. چروتو در سال‌های بعد با طرح مفهوم «امپریالیسم واحد» برخلاف گفتار رایج پیرامون جنگ سرد و توصیف جهان به عنوان صحنه‌ی رقابت دو بلوک سرمایه‌داری و سوسیالیستی یا سه جهان بر ماهیت سرمایه‌داری کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی (شوروی، چین، کوبا، کره و ...) و ماهیت امپریالیستی اتحاد جماهیر شوروی تأکید می‌کند و با تأکید بر نظریه‌ی امپریالیسم لنین آن را منطبق بر واقعیت تجربی می‌داند. هم‌چنین چروتو جنگ سرد را «توافق» دو قدرت امپریالیستی شوروی و آمریکا برای مقابله با اتحاد قدرت‌های رقیب اروپایی به خصوص آلمان می‌داند. دهه‌ها بعد، با فروپاشی شوروی، اتحاد مجدد آلمان و ظهور قدرت‌های امپریالیستی نوظهور، به خصوص چین، این دوره‌ی طولانی ضدانقلابی به اتمام رسیده است و در سال ۲۰۰۴ از «مرحله‌ی استراتژیکی جدید» سخن به میان می‌آید. متن زیر ترجمه‌ی پیشگفتار بر چاپ هفتم کتاب **مبارزات طبقاتی و حزب انقلابی** است که در دسامبر ۲۰۲۱ چاپ شده است.



«جنگ انتخابی» که ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ در عراق به راه انداخت، اقدامی قطعی بود که «مرحله‌ی استراتژیک جدیدی» را آغاز کرد. این جنگ حاصل تصمیم واشنگتن برای به تأخیر انداختن زمان ظهور امپریالیستی پکن بود و به دنبال ورود چین به سازمان تجارت جهانی (WTO)، و گام‌های قاطع اتحادیه‌ی اروپا برای ایجاد واحد پولی یورو و قدرت پولی فدرال روی داد. [۱]

در مقدمه‌ی چاپ ششم **مبارزات طبقاتی و حزب انقلابی** استدلال کردیم که آن وضعیت منازعه، در مقایسه با پنجاه سال پیش از خود، که در **تزهایی ۱۹۵۷** در پیش‌بینی یک چرخه‌ی طولانی توسعه‌ی سرمایه‌داری تصریح شده بود، یک «امر بی‌سابقه‌ی استراتژیک» (strategico inedito) است:

«تضادهای قدرت‌های امپریالیستی در حال حاضر برای یافتن راه‌حل مبارزه در بازارهای جهانی ادامه دارد، اما ظهور امپریالیستی چین تغییری کیفی است که از نظر مفهومی نقطه‌ی پایانی بر چرخه‌ی استراتژیک “ترزهای ۱۹۵۷” است.»

این واقعیت که آن فرآیند هنوز در سطح عملی تکمیل نشده و «یک نسل» برای تکمیل آن زمان لازم است، مستلزم «دقت علمی» و «توجه سیاسی» در ارزیابی پیشرفت منازعه با ظهور حادثه‌ی تضادهای آن و وظایف ناشی از آن برای حزب انقلابی بود. اگر برهم خوردن نظم بین قدرت‌های امپریالیستی قریب‌الوقوع نبود، در عوض ادامه‌ی چرخه‌ی لیبرالیسم امپریالیستی نیز دیگر قابل تصور نبود: [۲]

«در یک ارزیابی کمی بسیار کلی، ظهور اروپا و ژاپن در مقابل ایالات متّحده آمریکا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ همان نسبت ظهور چین امروزی را در مقایسه با اروپا و ایالات متّحده روی هم‌رفته داشت. تفاوت اساسی این است که در آن زمان توسعه‌ی امپریالیستی در پس‌زمینه‌ی “دو سوم” جمعیت جهان در بخش‌های عقب‌مانده‌ی آسیا روی داد، امروز این فضا به تقریباً یک سوم کاهش یافته است.

”بحران‌های جزئی” که از این ترکیب تداوم و تغییر در چارچوب استراتژیک “ترزهای ۱۹۵۷” به وجود خواهد آمد، بازتاب این خصلت بی‌سابقه‌ی اختلاف خواهد بود. اندازه‌ی قاره‌ای بازیگران دولتی جدید، و جهانی که دیگر برای گسترش بیشتر نامحدود نیست، حل مجدد این بحران‌ها را در “شبکه‌ی جهانی منافع امپریالیستی”، که امروز کارتل لیبرالیسم امپریالیستی است، بسیار دشوارتر می‌کند.

تحت آن شرایط جدید، «اندازه‌ی جمعیتی و قدرت دولت» به چین و در وهله‌ی دوم دیگر قدرت‌های نو ظهور مانند هند، «قدرتی رو به رشد برای محدود کردن دسترسی به بازار داخلی خود و تقاضای تقسیم مجدد بازار جهانی می‌دهد».

دو نتیجه‌گیری در سطح نظری و سیاسی برای وظایف حزب در ریشه دواندن در اروپا از شرایط جدید منازعه ناشی می‌شود. نخست، «برای حزب انقلابی، مسائل دولت و استراتژی، یعنی دینامیک امپریالیستی که در توسعه‌ی نابرابر منجر به برهم خوردن تعادل می‌شود»، باید «در سطح جدید منازعه، که دقیقاً تعادل و برهم خوردن نظم بین قدرت‌های قاره‌ای است» طرح شود. دوم، «ویژگی مبارزات طبقاتی و تغییرات اجتماعی» در اروپا، بیش از پیش، به «روابط قاره‌ای» وابسته می‌شود: «مخالفت با ایدئولوژی‌های اروپایی‌گرایی امپریالیستی برای استقرار حزب - علم، سازمان متمرکز بر استراتژی در کلان‌شهرهای اروپا» تبدیل به «وظیفه‌ی عملی جدید در دستور کار» خواهد شد. پیرامون چشم‌انداز پرتاریای جهانی، توسعه‌ی امپریالیستی در چین و سایر مناطق شاهد «جذب نیروی کار از ذخیره‌ی وسیع دهقانی» خواهد بود، و این امر «روابط جهانی قدرت بین

طبقات» را عمیقاً [به نفع پرولتاریا] تغییر خواهد داد. در عین حال، در بازتاب نظم جهانی در میان قدرت‌ها، این امر به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر «فشار چین بر تعادل جهانی» قرار خواهد گرفت.

وضعیت در پاییز ۲۰۰۴ چنان بود. بیش از پانزده سال بعد از آن زمان به راحتی می‌توان فهمید که آن نظام تحلیلی تا چه حد، با تشدید بحران نظم در روابط بین‌الملل، کاملاً تأیید می‌شود. دو بحران جهانی، آن‌چه ما آن را بحران روابط جهانی در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۷ نامیدیم و بحران همه‌گیری قرن در سال ۲۰۲۰، به کل روند شتابی شگرف بخشیده است. در واقع، ورود چین به مناقشه به آن رسمیت بخشیده است، و طرح‌های پکن برای یک نیروی نظامی در سطح جهانی جرقه‌ی مسابقه‌ی تسلیح مجدد را برانگیخته است. مواجهه‌ی واقعی با امپریالیسم چین و همچنین فرار از انبر بین واشنگتن و پکن، مشکل استراتژیک امپریالیسم اروپایی است. در تمام کلان‌شهرهای امپریالیسم، در کنار تسلیح مجدد، برنامه‌های عظیم مداخله‌ی دولت گام دوم را در مرحله‌ی استراتژیک جدید رقم می‌زند که خبر از پانزده سال آینده‌ای حتی طوفانی‌تر می‌دهد.

در سال ۲۰۰۴ ما استدلال کردیم که ویژگی‌های جدید مناقشه مستلزم توجه ویژه به فصل سوم «مبارزات طبقاتی و حزب انقلابی»، یعنی فصل مرتبط با استراتژی است. در حزب - علم، در حزب - استراتژی، راه‌حل مقابله با شرایط بی‌سابقه‌ی کشمکش جهانی، مبارزه با ایدئولوژی‌های مسمومی است که توده‌ها با آن‌ها بسیج و متعصب خواهند شد: لیبرال‌دموکراسی غرب در برابر اقتدارگرایی چین، اروپای محافظت‌کننده در برابر تهدید تکنولوژیکی پکن، حتی یک سوسیال‌امپریالیسم طرفدار محیط‌زیست در برابر غول‌های آسیایی که در حال تخریب محیط‌زیست هستند.

تجربه‌ی بحران همه‌گیری قرن، اما تأیید دیگری بر نظریه‌ی لنینیستی حزب، یعنی حزب - طرح است. در کتاب «سیاست آن‌ها و ما» نتیجه‌گیری از آن نبرد مطرح شده است: در دست گرفتن واقعی حلقه‌ی متصل‌کننده‌ی سازمان راه‌حلی ثابت شده برای رویارویی با یک بحران ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر است؛ در واقع، آن بحران مبارزان را «آموزش داده» و «آب‌دیده» کرده است و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا انرژی‌های غیرمنتظره‌ای را که در طبقه‌ی ما ظاهر شده‌اند جمع‌آوری و هدایت کنند. نسل‌های جدید، با وجود آن تجربه‌ی حیاتی که پشت سر آن‌هاست، قادر خواهند بود با دورانی که به طور فزاینده‌ای حادثه‌خیز است مواجه شوند. «مبارزات طبقاتی و حزب انقلابی»، در نبردهای جدیدی که در حال شکل‌گیری هستند، به عنوان متنی حیاتی تأیید می‌شود.

* مقاله‌ی حاضر ترجمه‌ای است از پیش‌گفتار Guido La Barbera با عنوان *scienza nella nuova fase* اثر Arrigo Cervetto. این مقاله در لینک زیر یافته می‌شود:

<https://www.edizionilottacomunista.com/>

یادداشت‌ها:

[۱]. جمهوری خلق چین در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۹۹ به سازمان تجارت جهانی وارد شد و واحد پولی مشترک اروپا (یورو) در عمل از اول ژانویه ۲۰۰۲ شروع به کار کرد. تجاوز ایالات متحده آمریکا به عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ آغاز شد. - م.

[۲]. توجه شود که سرمایه‌داری همواره بین چرخه‌های لیبرالیسم (عدم مداخله‌ی دولت در اقتصاد) و مداخله‌گرایی در حال نوسان است و با توجه به وضعیت نیروهای امپریالیستی در سطح جهانی و وضعیت نیروهای طبقاتی در داخل شاهد ترکیب مقادیر مختلفی از این دو چرخه هستیم. این تذکر را از این جهت لازم می‌دانیم که «نقد نئولیبرالیسم» می‌تواند به بیراهه‌ی توجیه مداخله‌ی دولت‌ها در اقتصاد، اقتصاد کینزی و دولت رفاه - که با پیشرفت تصادم قدرت‌های امپریالیستی و لزوم اجماع داخلی برای آمادگی جنگ هرچه بیشتر شاهد آن خواهیم بود - بیانجامد. - م.